

## عنوان مقاله:

بازخوانی عقل آناکساگوراس در روانشناسی ارسطو

## محل انتشار:

دوفصلنامه شناخت، دوره 16، شماره 2 (سال: 1402)

تعداد صفحات اصل مقاله: 22

## نویسندگان:

محمد حبیب الهی - دانشگاه شهید بهشتی

احمد عسگری - دانشگاه شهید بهشتی

## خلاصه مقاله:

یکی از مباحث بسیار دشوار در روانشناسی ارسطو بحث عقل است. این بحث که در طول تاریخ دست مایه تفاسیر بسیار گوناگون بوده به ندرت از منظر مواجهه ارسطو با پیشینیانش بررسی شده است. این مقاله استدلال میکند که ارسطو در این بحث وام دار آناکساگوراس است و نظریه او را در این باب ارتقا میدهد و در چارچوب مبانی خودش بازخوانی میکند. مهمترین و چالشبرانگیزترین مباحثی که در کتاب درباره نفس در موضوع عقل مطرح شده از این منظر قابل فهم میشوند. آناکساگوراس صریحا یا ضمنا دو وصف عدمتعیین و سردیت را به عقل نسبت میداد. ارسطو این دو وصف را برای عقل میپذیرد و میکوشد تا مشکلاتی را که بر سر راه این دو قرار دارد برطرف کند. هر دوی این اوصاف با فعالیت اصلی عقل، یعنی شناختن و تعقلکردن، ناسازگارند. آنچه مطلقا نامتعیین است به هیچ چیزی شباهت ندارد. پس، مطابق حکم مشهور «شبیبه شبیه را میشناسد»، قادر به شناختن نخواهد بود. همچنین شناختن نوعی عبور از قوه به فعل است که از لوازم ماده است. از این رو، عقل اگر بخواهد فعالیت شناختی داشته باشد، نمیتواند سردمی باشد. نشان دادهایم که مباحث دو فصل چهارم و پنجم از کتاب سوم درباره نفس به همین دو مسئله پاسخ میدهند.

## کلمات کلیدی:

ارسطو، آناکساگوراس، کتاب النفس، عقل

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1941277>

